

خبر

معاون فرهنگی سپاه:

کتاب صوتی، مجاهدت‌ها را بهتر به مخاطب بین‌المللی باز گو می‌کنند

مراسم رونمایی و بازخوانی از ۲۲ عنوان کتاب صوتی و رادیویی با حضور معاون فرهنگی و اجتماعی سپاه، رئیس بنیاد فرهنگی روایت فتح، مدیرعامل انتشارات روایت فتح و جمعی از هنرمندان و نویسندگان برگزار شد. در این مراسم مجید بذرافکن، معاون فرهنگی و اجتماعی سپاه با اشاره به هویت و سابقه روایت فتح در تولیدات هنری و فرهنگی گفت: «روایت فتح با عقبه و هویت خودش نیازی به بیان‌های بنده و امثال بنده ندارد، مسئله روایت یک نسبتی با بیان و بیانگری دارد. ما در حوزه متن و روایت توانستیم یک روزنهای را باز کنیم مثل روایت فتح، فتوحاتی را به‌دست بیاوریم ولی در حوزه بیان و روایتگری همچنان منتظر اتفاق‌های خوب هستیم و امیدواریم این آثار تولیدی بتوانند ما را در این حوزه به جایگاه‌های برتر برسانند. مقوله روایت با بیان و گویش مقوله‌ای جدید و نسو را برای ما باز می‌کند و می‌توانیم قله‌های بهتری را فتح کنیم.»
معاون فرهنگی سپاه با اشاره به اقتضاتات امروزی جامعه و گسترش این نوع از تولیدات در خارج از مرزها نیز اظهار کرد: حتما اقتضاتات زندگی ماشینی مردم را برای شنیدن کتاب‌ها ترغیب خواهد کرد؛ و این نوع تولیدات به سا کمک خواهد کرد تا مرز گستری در مخاطب داشته باشیم. با قلم یک محدوده با تصویر یک محدوده و باگویش هم یک محدوده از مخاطب ایجاد خواهد شد اما دراین‌بین بُعد و جنبه مرز گسستری بین‌المللی است که حتما باید بدان فکر کرد زیرا مخاطب بین‌المللی در این زمینه وجود دارد تا بتوانیم با استفاده از این ظرفیت مجاهدت‌های رزمندگان در دوران دفاع‌مقدس، اهتمام و تلاش در زمان شیوع کرونا، مدافعان حرم و حتی زنان و مادران شهدا را نشان دهیم.

خبر

زندگینامه شهدای البرز نمایشنامه رادیویی می‌شود

مدیرکل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع‌مقدس استان البرز از تولید یک مجموعه نمایشنامه‌خوانی رادیویی با محوریت زندگی شهدای البرز خبر داد. سرمدار سرتپ دوم پاسدار ابوالفضل اسلامی بااعلام این خبر و با تأکید بر اهمیت حفظ یاد و خاطره شهدا اظهار داشت: «در زمانی که دشمن یا هجمه‌های فرهنگی قصد فریب نسل جوان را دارد انتقال ارزش‌های شهدا به نسل جوان یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های فرهنگی است.معرفی شهدای استان البرز و انتقال ارزش‌های آنها مهم‌ترین هدف ما در تولید این مجموعه رادیویی است که با موضوع دفاع‌مقدس در فاز نخست تا پایان سال در ۱۲ قسمت تولید و پخش خواهد شد. این مجموعه با همت اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع‌مقدس استان البرز و باارزنی با ارگان‌های ذی‌ربط در حال تولید است که امیدواریم با اهتمام عوامل سازنده این برنامه از اواسط آبان از رادیو البرز پخش شود.»

شهید گمنام در محوطه ثبت‌احوال کشور آرام گرفت

یکی از شهدای گمنام دوران دفاع‌مقدس با حضور مسئولان کشوری در میدان حسن آباد ششیع و در محوطه ثبت‌احوال کشور به خاک سپرده شد. این شهید ۱۹ ساله بوده و در عملیات کربلای ۴ به شهادت رسیده بود.

از ماجرای بمباران محله کن و روستای اطراف عسکایر شد. این عکس تاریخی است

از ماجرای بمباران محله کن و روستای اطراف عسکایر شد. این عکس تاریخی است

از ماجرای بمباران محله کن و روستای اطراف عسکایر شد. این عکس تاریخی است

مرزهای مقاومت؛ روایت جنگ‌های اسرائیل با کشورهای عربی

مجموعه مستند ۶ قسمتی «مرزهای مقاومت» به کارگردانی وحید فرجی تولید جدید شبکه مستند سیما با محوریت تشکیل رژیم صهیونیستی است که از شبکه‌های مختلف سیما پخش می‌شود. فرجی کارگردان این مستند درباره سوزۀ این مجموعه گفت: «مرزهای مقاومت» با محوریت تشکیل رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ و ۶ جنگ بزرگ است که بین این رژیم غاصب با کشورهای عربی حاشیه فلسطین نظیر مصر، لبنان، سوریه و اردن رخ داده است. در هر قسمت از این مجموعه یکی از این جنگ‌ها به شیوه‌ای دقیق روایت شده و اتفاقات قبل، حین و بعد از آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.»
این مستندساز درباره شیوه روایت خود می‌گوید: «بخش قابل توجهی از تصاویر این مجموعه مستند آرشویی است و در کنار آن کارهای گرافیکی نیز داریم. خوشبختانه توانستیم تصاویر آرشویی خوبی را با محوریت رژیم صهیونیستی و جنگ‌های آن بااعراب منطقه گردآوری کنیم و بسیاری از تصاویری که در این اثر دیده می‌شود، جدید است.»
فرجی درباره تحقیق و پژوهش «مرزهای مقاومت» هم می‌افزاید: «ساخت چنین مستندی نیازمند تحقیق و پژوهش گسترده‌ای است. به‌ویژه آنکه پس از استخراج اطلاعات از منابع مختلف، باید آن‌ها را کنار هم قرار داد و راستی‌آزمایی کرد. بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها، تحقیق کتابخانه‌ای و ترجمه اطلاعات و اسناد از زبان‌های مختلف بود.

نویسندۀ و کارگردان این مجموعه وحید فرجی است و از دیگر عوامل آن می‌توان به تدوینگر: روح‌الله قاسمی و علی علایی، ترجمه: محمداقرا اسدی و منصور کتایی، گرافیک و موشن: علی زارعی و گوینده متن: نوید نوروزی اشاره کرد.



میزبانی از جنگ‌زدگان در هتل ۵ ستاره

مروری بر خاطرات اسکان بازماندگان جنگ تحمیلی در هتل اینترنشنال

خرداد سال ۱۳۶۰ یک میلیون و ۷۵۰ هزار نفر اعلام می‌کند و از مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پدید آمده در اردوگاه‌ها و ضرورت برنامه‌ریزی در این حوزه می‌گوید. در همین زمان اسکان جنگ‌زدگان در شهرهای مختلف در اردوگاه‌هایی مانند هجرت در ماهشهر، وحدت در بهبهان و شهرهای دیگر آغاز می‌شود و بسیاری هم در شهرهای بزرگ مانند تهران و شیراز در هتل‌هایی که متعلق به بنیاد مستضعفان بود، اسکان داده شدند.

فیلم‌های زیادی با موضوع جنگ‌زده‌ها در سال‌های دفاع‌مقدس ساخته شد.حتی لوکیشن اصلی داستان دو فیلم در هتلی در تهران اتفاق می‌افتد. زندگی خانواده‌های رانده شده از خانه و کاشانه و سرگردانی‌شان در شهری غربی، صداهای وحجه و گریه‌هایی که هر روز از یکی از اتاق‌های هتل می‌آید، شاید خبر مرگ عزیزی را شنیده‌اند یا بر سرنوشت‌شان می‌گریند، من‌این‌این فیلم‌ها شد تا زندگی آدمیان معمولی را که روزگار خوبی داشتند و دست و پنجه نرم کردن آن‌ها را با فشارهای پرزوری که آه از نهاد انسان‌های قوی هم درمی‌آورد نشان دهد. همه یا بخشی از داستان این فیلم‌ها را زندگی جنگ‌زده‌های جنوب ایران در هتل «اینترنشنال» به عاریه گرفته شده بود؛ همسان هتلی که مهاجران خرمشهری و آبادانی در آن اسکان داده شدند و اسسال مبارزه کردند به امید آنکه روزی غم رویت را در اتاق‌های هتل بگذارند و به خانه برگردند. هتلی که شاهد آلام تک تک ساکنانش بود و قرار بود بماند تا نه‌تنها راوی خوبی برای رنج تاریخی ۶۵۰ خانوار ساکن آن که یک ملت باشد،

روزنامه‌های سسال‌های ابتدای جنگ تحمیلی را که ورق می‌زنیم، روزی نیست که درباره این رویداد خانمان‌سوز حرفی نباشد و از اسکان جنگ‌زده‌ها خبر یا گزارشی تهیه نشده باشد. در این روزها اسکان، شغل، درآمد و هر آنچه به زندگی جنگ‌زده‌ها مربوط بود به چالشی بزرگ تبدیل و دغدغه اصلی مسئولان وقت شده بود. مشکل آنقدر بزرگ بود که سال ۱۳۶۰ بنیاد امور جنگ‌زدگان برای ساماندهی مشکلات این قشر تشکیل و «مصطفی میرسلیم» سرپرست این بنیاد می‌شود. میرسلیم آمار جنگ‌زده‌ها را تا

ایتارومقاومت



اما تخریب شد و همه آن خاطره‌ها را با خود به خاک سپرد.

هتل جنگ‌زدگان

هتل اینترنشنال، هتلی ۵ ستاره در ضلع جنوب‌شرقی پل سیدخندان بود. این مکان که اکنون زمینی بایر و بدون استفاده است زمانی هتلی بین‌المللی بود که سری میان سرها داشت. سال ۱۳۵۶ توسط «باتمان قلیچ» از سرمایه‌داران بانفوذ دوران پهلوی در فضایی ۱۳ هزارمترمربعی ساخته و افتتاح شد تا با ۸۵۰ اتاق، ۴۰ سالن

اجتماعات، یک مجموعه ورزشی و ۱۳ آسانسور باتوق افراد مشهور شود. این هتل تا اوایل پیروزی انقلاب اسلامی یکی از هتل‌های معروف تهران به حساب می‌آمد. تا اینکه در بجنبه منتهی به پیروزی انقلاب، باتمان قلیچ هتل را رها کرد. اوایل دهه ۱۳۶۰ در دوران شنگ ایران و عراق، در اختیار بنیاد آسیب‌دیدگان جنگ قرار گرفت و مهمانان بعدی هتل اینترنشنال ۶۵۰ خانوار مهاجر جنگی شدند که عمدتاً آبادانی و خرمشهری بودند و علاوه بر اینکه دست‌شان خالی بود، داغ عزیز هم دیده بودند. آن‌ها از سال ۱۳۴۲ تا اوایل دهه ۷۰، یعنی چند سال پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ اینجا زندگی کردند با کمبود امکانات، دیوارهای طوطی‌ورفته و شلوغ و...

زندگی در هتل آسان می‌شود

زندگی برای مهاجران در هتلی که قرار بود مامن و محل آرامش و آسایشی آنها باشد، سخت و سخت‌تر می‌شد و جنگ هم خیال تمام شدن نداشت. از این زمان بود که بنیاد مهاجران



یقیناً هدف انبار نفت بوده‌است که امروزه در محدوده محله شهران قرار دارد. این محدوده استراژژیک است. حتماً می‌خواستند آنجا را بزنند.

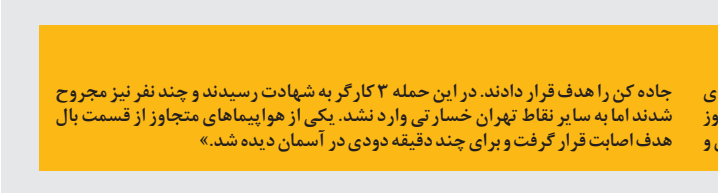
اگر انبار نفت مورد حمله قرار می‌گرفت، ابعاد حادثه

گسترده‌تر می‌شد؟

یقیناً اینطور است. فاجعه پیش می‌آمد. البته خوشبختانه جانمایی این انبار نفت کاملاً حساب‌شده است و در بین کوه‌ها قرار گرفته و به‌سادگی در دسترس نیست.

بعد از این ماجرا اهالی احساس ناامنی نکردند؟

احساس ناامنی برای همه جای تهران بود. وقتی صدام شروع به بمباران شهرها کرد با هر صدای آژیر و شنیدن صدای انفجار صدای‌الله‌اکبر اهالی بلند می‌شد. چون مطمئن بودیم که هموطنی بی‌خانمان شده یا عزیزی را از دست داده. بعدها که ماجرای بمباران موشکی و شیمیایی سردشت پیش آمد، هر موقع بمباران می‌شد می‌ترسیدیم شیمیایی باشد.



جاده کن را هدف قرار دادند. در این حمله ۳ کارگر به شهادت رسیدند و چند نفر نیز مجروح شدند اما به سایر نقاط تهران خسارتی وارد نشد. یکی از هواپیماهای متجاوز از قسمت بال هدف اصابت قرار گرفت و برای چند دقیقه دودی در آسمان دیده شد.»

خبر

معاون فرهنگی سپاه:

کتاب صوتی، مجاهدت‌ها را بهتر به مخاطب بین‌المللی باز گو می‌کنند

نبرد در سرما و یخبندان کردستان عراق، ده‌ه‌اروز پیاده‌روی با تجهیزات جنگی، کمبود آذوقه و عبور از مسیرهای صعب‌العبور، انهدام تأسیسات چندین شهر عراق ازجمله دیانا و درالوک از مهم‌ترین خاطرات جعفر جهرونی‌زاده در عملیات‌های برون مرزی در خاک عراق است. جهرونی‌زاده خاطرات بسیاری از آن روزها دارد و کتاب «نبرد درالوک» را می‌توان مستندی تاریخی وارزشمند دانست که دربردارنده خاطراتی از فرماندهان جنگ همچون شهید حاج ابراهیم همت، شهید مهدی یاکری، حاج احمد متوسلیان و شهید کاظم نجفی رستگار است. «نبرد درالوک» که به قلم محمود جوانبخت و از سوی انتشارات سوره مهر چاپ شده، روایتی داستانی از نبرد در غرب، جنوب کشور و عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس است.

جعفر جهرونی زاده، ۱۸سال داشت که همراه عده‌ای از دوستانش، داوطلبانه برای مبارزه با گروه‌های ضدانقلاب راهی غرب کشور شد و بعد در سال‌های دفاع‌مقدس به‌عنوان نیروی تخریب و فرماندهی گردان تخریب لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) فعالیت داشت. سال ۱۳۴۳ از لشکر ۲۷ جداشد و به فرماندهی یگان ویژه شهادت، مأمور تشکیل و سازمان این سازمان بازسازی شد؛ یگانی که انجام عملیات در داخل خاک عراق و پشت جبهه دشمن ازجمله وظایف و مأموریت آن بود. جهرونی زاده، فرماندهی عملیاتی را برعهده داشت که بسیار مهم و خطرناک بود. نبردهای پارتیزانی در دوران دفاع‌مقدس در بیشتر در کوهستان‌ها و شهرهای مرزی عراق در شمال رخ می‌داد، کمتر در خاطرات رزمندگان آن دوران دیده می‌شود. خاطرات جهرونی‌زاده در کتاب «نبرد درالوک» را می‌توان مستندی تاریخی از آن روزها دانست که به چگونگی انهدام تأسیسات چندین شهر عراق ازجمله دیانا و درالوک پرداخته‌است.

مدافعان انقلاب مردمی

بخشی از خاطرات جهرونی‌زاده در کتاب «نبرد درالوک» به سال ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی مربوط است. «چندروزی از پیروزی انقلاب اسلامی نمی‌گذشت و من نیز مثل بسیاری از جوانان در پوست خود نمی‌گنجیدیم. رؤیاهای ما به واقعیت پیوسته بود و بساط حکومت‌شمار چیده شده بود. شب‌روز نداشتیم و هر جا که فکر می‌کردیم انقلاب به ما نیاز دارد، حاضر می‌شدیم و همچنان که طعم خوش پیروزی را بر زبانمان مزمره می‌کردیم، برای محکم کردن پایه‌های حکومت تازه تأسیس ایران اسلامی، به هبری حضرت امام خمینی(ره) از جان نیز دریغ نداشتیم.»

مدت کوتاهی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حوادثی رقم خورد که موجب شد جهرونی‌زاده به کردستان سفر کند: «یکماه از پیروزی انقلاب نگذشت که خبر رسید عده‌ای در کردستان قصد برپاکردن آشوب دارند. بدون هیچ درنگی من نیز به گروهی از جوانان انقلابی پیوستم که برای آرام کردن اوضاع، عازم کردستان بودند. با اینکه هیچ شناختی از این نداشتیم، اما تلاش کردیم خیلی زود با فضا و جریان‌های سیاسی ـ نظامی فعال در منطقه آشنا شویم. در واقع ما افراد نظامی نبودیم که برای جنگ و سرکوب آشوبگران به منطقه رفته باشیم، ما مدافعان انقلاب مردمی سرزمین‌مان بودیم.»

نبرد سخت

نبودن انسجام میان نیروهای ارتش و نداشتن تجربه و امکانات نظامی در سپاه پاسداران تازه تأسیس، موجب شد که شهر پاهو به تفسیر دشمن درآید: «در مرداد سال ۱۳۵۸ درگیری‌های مسلحانه شکل گرفت. روزبه‌روز درگیری‌ها شدت یافت و شهر تقریباً در دست ضدانقلاب افتاد و بعضی از مراکز مهم به محاصره آنها درآمد. ازجمله صدا و سیما، باشگاه افسران و پادگان کاملا در محاصره ضدانقلاب بود. در این زمان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی سازماندهی خوبی نداشتند. چرا که ارتش جمهوری اسلامی به‌خاطر وجود افراد خائن تقریباً سازمانش از هم پاشیده شده بود. سپاه پاسداران هم نیرویی بود که تازه تشکیل شده بود و تجربه، امکانات، اسلحه و مهمات کافی برای جنگیدن در اختیار نداشت. ضدانقلاب از این فرصت کمال استفاده را کرد و کاملاً شهر سندج را در اختیار خود گرفت و با بیش از ۱۲هزار نفر شهر پاهو را کاملاً به محاصره خود درآورد. از آن جایی که کلیه جاده‌های منتهی به شهر پاهو توسط دشمن بسته شده بود و تردداز طریق آن امکان‌پذیر نبود، در نیمه مرداد ماه ۱۳۵۸ بنده ۲ نفر دیگر با یک فروند هلی‌کوپتر ۱۲۱ به پاهو رفتم. نیروهای مادر پاهو که شامل نیروهای پاسدار اعزامی و بومی بودند حدودا ۱۷۰ نفر می‌شدند که ما هم به جمع آنها پیوستیم. ضدانقلاب به امکانات زیادی که با خود آورده بود خیلی امید داشت علاوه بر آن، از طریق کشورهای مختلف خصوصاً عراق کمک تسلیحاتی و مالی می‌شد و می‌خواست شهر پاهو را کاملاً به تصرف خود درآورد. در همین دوران بود که دکتر چمران به همراه ۲نفر از پاسداران با یک فروند هلی‌کوپتر قصد فرود آمدن در محل هلال‌احمر پاهو را داشتند که هلی‌کوپتر مورد اصابت گلوله قرار گرفت، خوشبختانه به آن آسیب جدی وارد نشد و خلبان شجاع آن توانست پایین بیاید و چمران و همراهانش را پیاده کند...»

یگان شهادت

سردار جهرونی زاده، با شروع جنگ تحمیلی در عملیات‌های مختلف شرکت می‌کند. او سالال ۱۳۴۳ پس از شهادت شهید همت، از لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) جدا می‌شود و بعداز آن با حضور در قرارگاه رمضان در عملیات‌های برون مرزی فعالیت خود را ادامه می‌دهد. ظفر، نام عملیات برون‌مرزی است که در خاک عراق انجام می‌شد و جهرونی‌زاده که فرماندهی یگان ویژه شهادت را برعهده‌داشته در خاطراتش گفته است: «شب عملیات ظفر ۵ توانستیم به‌سختی یک‌غار را نزدیک شهر درالوک پیدا کنیم. بچه‌ها به‌روز داخل این غار یک‌آتش کوچک روشن کردند. سر ادمی‌ها و خوشبختناک بود؛ طوری که اصلاً نمی‌شد انگشت زده بود. با شرایط خیلی سختی مواجه بودیم. از ایران امکاناتی مثل بادگیر و لباس گرم با خودمان نداشتیم، اما حرف‌های سرای هوانمی‌شدند. بچه‌ها در غار ماندند و نیروهای اطلاعات عملیات رفتند برای شناسایی. بنا شد ما (نیروهای یگان شهادت) زدن دوتا از ۳۶ پایگاه دور شهر را به‌عهده بگیریم. باقی پایگاه‌ها را هم به نیروهای معارض عراقی بسپاریم...»